صاحب امتیاز عباس رستا

سال اول شماره اول

تکشماره ۲ ریال

پنجشنبه ۲ مهر ۱۳۳۱

# شاهد

مدیر مسئول: پرویز سلطانی

جای اداره نداریم لانه زار

روبروی پرایش دوزندگی

تلفن ۲۹۸۷۰

در آنروز که من زمام مردم را بدست گیرم بطبقات اشراف و اعیان که مولد سازمان کثیف و آلوده پیشین است احترام نمیگذارم و بکلیه اشراف گوش نمیکنم و بنیادگاههای با عظمت را که از بسط ظلم بوجود آمده در دهم فروخواهم ریخت...

علی علیه السلام

باضعیف ارتش

# بیرون کردن شاه کار آسانی است!..

آنگاه:

## ایجاد یک حکومت کمونیستی آبخوردن است...

انجام توطئه‌های کودتائی درمشرق وشهرت هائی که در باره کودتا واستعفای شاه ازسلطنت درایران رائج گردیده چون باسرنوشت کشورما و آینده‌ما وفرزندانمان بستگی دارد بما اجازه می‌دهد که در اولین شماره مرسقال خود را باینموضوع حیاتی اختصاص دهیم.

زحمت آنم است:

.....

.....

.....

چنان که دیدیم رضا شاه پهلوی که بی تردید بر حسب کمك وپشتیبانی وصلاح سیاسی

بقیه درصفحه ٤

گذشته ملت ایران نشان داده است که هرگاه قدرتی درکشور ما پدید شد نه تنها توانستیم باوضاع آشفته خویش سروسامانی بدهیم بلکه قدرت وسلطه خودرا نیز بخارج ازکشور توسعه دادیم.

شما صفحات تاریخ درخشان ایران راورق زنید بهر کجای آن که رسیده می بینید در هر فرصتی که مردانی نیرومند بدیدار گشته کشور مارا ازچنگال اجانب نجات داده وحق قشون مهاجم را اسیرو برده وفرمان بردار خویش ساخته.

ما با احترام بدین مقدس اسلام وآئین نجات بخشی که ازجانب خدا بوسیله حضرت محمد (ص) پدید گشت ازمواهب صفات مثال می زنیم که این مرد ایرانی با وجود اسارت مردم در چنگال حرب وتسلط تعصبات دینی درووجیه مردم بگونه‌ایست ارگان حکومت عرب وادر ایران متزلزل سازد.

وبراثر همین هنرنمائی وعقل واراده این مرد بزرگ مرد دیگری مانند خواجه نصیرالدین طوسی بکمك ملاکوخان تا آن پایه پیش رفت که باکشتن الخلیفه ماآخرین خلیفه عباسی بساط خلافت وحکومت عرب را برچید.

پس ازحمله مغول نیز دیری نگذشت که ازهر سوی ایرانیان بر قشون مغول تاختند و آنان را اسیر هوش و سرنیزه اقتدار خویش کردند!

آن روزکه افاغنه برکشور ماتاخت آوردند وایران را دچار هرج ومرج و آشفتگی وبی نظمی کردند یکی از میان ایرانیان با کمك مردمی دلیر واز خود گذشته برخاست وایران را ازچنگ افاغنه نجات داد.

این مرد بزرگ تاریخی نادرقلی بود که بعدا نادر شاه افشار شدکه بازهم با کوشش واراده خلل ناپذیر خود باکرد آوردن نیرو بهندوستان نیزحمله برد و ضاربهمی برای کشور ما واردآورد که اکنون پس از سالها هنوز جزو سرمایه کشورما قراردارد.

این مطالب که هرکدام ازآن فصلی بزرگ ازتاریخ درخشان کشور مارا در جهان گذشته تشکیل میدهد بخوبی مورد توجه بیگانگان قراردارد و بهمین دلیل است که تمام نیروهای بیگانگان و بیگانه پرستان صرف مبارزه با نیروی متمرکز ملی است که در ملت ایران ایجاد شده است واگر در این باره موشکافی عالی شود دیده می‌شود که بسیاری از مسائل اهمیت ریشه آب می‌خورد.

زیرا.

بهر تقدیر که ما قوی شدیم اسباب

## شیلات را هم ملی کنید!!

### تاریخچه شیلات. امتیازها. تهدید باشوروگها

### ناپدید شدن اسرار آمیز ایانازوف

تاریخچه امتیاز شیلات از ۷٦ سال قبل شروع میشود درسال ۱۲۹٦ هجری قمری مطابق ۱۸۷۹ میلادی حاج میرزا حسن خان مشیرالدوله وزیر مالیه ایران امتیاز شیلات شمال را بمدت ۵ سال بسه ارمنی که تبعه روسیا بودند دادند این سه نفر ارمنی که اسنیان مارتین لیا ازرف وپلیکف وآزاریاس نامیده میشدند طبق قرارداد سالی ۵۰۰۰۰ تومان بایران میپرداختند پس از اتمام این مدت کامران میرزا نایب السلطنه ۵ سال مدت را اضافه کرد وقرارشد که هرسال ۵ هزار تومان اضافه بروجه سابق بدولت ایران پرداخته شود درسال ۱۳۰٦ قمری میرزا عباس قوام الدوله صدر اعظم ایران امتیاز مزبور را ۵ سال دیگر تمدید نمود وقرارشد که هرسال ۵ هزارتومان اضافه برسابق یعنی روبهمرفته سالی ٦۰ هزار تومان

بقیه درصفحه ٤

بقلم یکی ازمطلعین بزرگ اقتصادی ایران

## لزوم رفرم اقتصادی درایران

این مقاله بقلم یکی از مطلعین بزرگ اقتصادی ایران در باره اقتصادیات ایران تهیه شده است. دنباله این مقاله بواسطه بودن بیشاره بعدمو کول میگردد.

مسائل اقتصادی وکارهای مالی وبازرگانی درکشور باید در راس تمام امور قرار گیرد، تمام سیاستها ودوستها ودشمنیهای ملل ودول درسرامور اقتصادی بوجود آمده، هرفرد یا ملتی میکوشد جلب نفع ودفع ضرر نماید، جنگهای بین دول وملل وجنگهای وحشتناك بین المللی اول و دوم تماما برای امور اقتصادی ورقابتهای تجارتی وصنعتی پیش آمده، غالبین اول دفعه دستگاه صنعتی و تجارتی مغلوبین را جمع آوری و معمور نموده اندکه مغلوبین برای مدتهای مدید نتوانند خودشان را دربازارهای داخلی وبین الملل وارد نمایند و همیشه ازجهت امور اقتصادی ومالی محتاج غالبین باشند ازیکی دوقرن باینطرف تمام دول باجدیت درتوسعه وازدیاد صنایع وتجارت خود قدمهای بلندی برداشته اند، متاسفانه در کشورما متصدیان امور ومردم درگذشته توجهی باین امر نداشته ومسائل اقتصادی وبازرگانی را بی اهمیت شمرده که امروز گرفتار بدبختیهای بزرگی شده ایم، امور اقتصادی و سیاست در آن قسمت یکی از مسائل پیچیده و مهم هر دولت و کشور است.

دراین قسمت باید یك رشته تشریك مساعی بین تشکیلات دولتی و خود مردم برقرار باشد، باید درتمام امور ازفعالیت وکارمردم با تدبیر وراهنمائی دولت وتشکیلات حداکثر استفاده را نمود

فعالیت های اقتصادی هرکشوری متناسب با وضع ومنابع طبیعی واستعداد مردم آن باید باشد. درکشور ایران منابع ثروت زیاد است ولی تاکنون فعالیتی برای استفاده ازآنها بعمل نیامده اکنون موقع آن رسیده است که مقادیر امور و مردمان فهمیده ومطلع باشند های صحیح وفعالیت مردم از این ثروتهای حقیقی حداکثر استفاده نمایند.

شایعات از روزنامه‌ها

## وزیر توده‌ای در کابینه ملی مصدق

### توطئه آیت‌الله کاشانی برای رئیس شهربانی. شاهپور علیرضا میخواهد مخالفین دربار را نابود کند. زد و خورد در منزل حضرت آیت‌اله کاشانی. یکماه ضرب‌الاجل برای تشخیص صلاحیت قضات تعیین شده است

وزیر حزب توده در کابینه.

فوق العاده

اعضای حزب توده در مذاکرات و گفتگوهای مصرحی وعلنی اظهار میدارند که ما درکابینه دکتر مصدق وزیر داریم توده‌ایها مدعی هستند که آقای لطفی وزیر دادگستری درکابینه دکتر مصدق وزیر آنهاست و از اینجهت مرکزی حزب توده الهام می گیرد و فتنه‌هائی را که حزب برای تشکیلات دادگستری و اداره وزارت دادگستری دارد اجرا مینماید.

باید دانست که لطفی مدتی عضو هیئت مدیره جمعیت خدامتهای بود و فعالیت زیادی برای توده‌ایها میکرد و در مصاحبه‌هائی که قبل از رسیدن بمقام وزارت میکرد علنا طرفداری از کمونیست‌ها میکرد

امروز نیز بطوریکه علنا دیده می شود لطفی قضات توده‌ای را مصدر امور مهم کرده است و دست بانجام فتنه‌هائی برده که تابع حزب توده خواهد بود ازطرفی در دستوراتی که حزب توده در فتنه‌های اخیر باعضای حزب داده این نکته وابرای اعضاء حزب متذکر شده که تامدتی درباره وزارت دادگستری و عاملیاتی که در آن وزارتخانه صورت میگیرد هیچگونه اظهاری نکنند ودر روزنامه‌هائی که در اردست دارند ساکت باشند

برای معاقل ملی باعث تاسف است که در کابینه ملی دکتر مصدق که باید ایران را ازچنگال اجانب بیرون بیاورد کمونیست‌ها که ازمسکو الهام می گیرند هرروز بدستور سفارت روس برای الحاق ایران بخاك شوروی فتنه میکنند ورزائی شرکت کنند که ازکابینه مرکزی حزب توده دستور می گیرند.

بقیه درصفحه ۲

اخبار ایران

## قرارداد بین لهستان وایران امضاء میشود

### امتحان ورودی دانشکده حقوق در ۱۲ مهر ماه شروع میشود - دکتر شاخت دکتر مصدق را مرد توانا و صاحب اراده قوی معرفی کرد

### آیت‌اله کاشانی از نمایندگان مجلس شورای ملی دعوت بعمل آوردند. شیلات نیز ملی خواهد شد

درسوم شهریور بین دولت ایران و کشور لهستان قرار داد بازرگانی منعقد شده وتا آخر هفته جاری بامضاء میرسد دراین قرار داد میزان مبادلات ٤ ملیون فرانك میباشد که صادرات ایران درمرحله اول نفت وپنبه از اقلام واردات قند و شکر خواهد بود

کنکور دانشکده حقوق

امتحان ورود دانشکده حقوق روز شنبه ۱۲ مهر ساعت ۸ صبح عمل خواهد

بقیه درصفحه ۲

داوطلبان دانشکده

حقوق

برای امر مهمی که بستگی باسرنوشت شما دارد

صبح روز شنبه پنجم مهر ماه ساعت ۸٫۵ صبح در

مقابل دانشکده حقوق حضور بهمرسانید

ازطرف عده‌ای ازداوطلبان دانشکده حقوق

اخبار جهان

## دوگاهپری نخست وزیر ایتالیا بین وارد شد — خدمات پزشکی در مصر مجانی میشود - نواحی نزدیك در پاکستان وهندوستان شب‌ها درخاموشی بسر می برند - ترومن نطقی در محله سیاه پرستان نیویورك ایراد خواهد کرد

### رادها کریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان ازایران وکشورهای خاورمیانه واروپا دیدن میکند - جبهه ملی لبنان بنفع کامل شمعون برای احراز مقام ریاست جمهوری فعالیت میکند - نتیجه انتخابات پارلمان سوئد.

درصفحه ۴

# شیلات نیز بدنبال نفت باید ملی شود

«طفل افتار»

در جهان سینما

# سینما یك هنر کامل و عالی

## سینما موثرترین وسائل توسعه روشن بینی عموم و رضایت خلق است!

مقدمه

یکی از موضوعاتی که در تهران سی اندازه مورد توجه و علاقه عموم قرار گرفته سینما میباشد و شاید بتوان گفت که سینما یکی از موثرترین و قویترین وسائل توسعه روشن بینی در تهران است و نمایش فیلمهای مختلف در روحیات عموم سینما روندگان تاثیرات بسزائی بجا می گذارد.

حالا خواه این تاثیر از حالت مطلوب و یا نامطلوب باشد و مردم کم و بیش به قالب واقعیات و برخی از حقایق زندگی واقف میشوند.

این تاثیر باندازه‌ای شدید است که نمایش یك فیلم مضر باعث گمراهی و بالعکس نمایش یك فیلم باارزش اخلاقی و اجتماعی باعث هدایت بینندگان میشود. بخصوص در چندسال اخیر گذشته از توسعه نمایش فیلم سینوپرهای متعددی در تهران ایجاد گردید و بر تعداد علاقمندان سینما افزوده شد.

ولی متاسفانه در این سیر تکاملی در نتیجه بعضی عوامل و تبلیغات سینمایی بیشتر جنبه تفریحی پیدا کرد و تا اندازه‌ای از جنبه آموزشی خارج شد.

در ممالیکه اثر آموزشی سینما یك اصل متقن و مسلمی است که در طی مدت ها جنبی مشهود گردیده است و اما از طرفی بدون شك هر هنر پیشه و بخصوص سینما که مجموعه کامل هنرهاست برای ترقی و توسعه و داحیاء یك مقاد و صلاح دارد بخصوص در تهران که جنبه آموزشی مورد آنا اندازه‌ای ادرست داده و جنبه تفریحی گرفته اقطعاً با توجه بتوضیحات فوق خوانندگان عزیز ملزوم ایجاد یك ستون انتقاد سینمائی واقف شده اند و ما نیز امیدواریم و تقاضا داریم که خوانندگان عزیز در این راه با ما همکاری نموده و عقاید و نظریات خودرا نیز برای ما ارسال دارند. علاوه ما با تمام میل سئوالات خوانندگان نیز جواب خواهیم گفت:

در این شماره اولین بحث خود را به بهترین و لیترین فیلمی که در این هفته در تهران نمایش میدهند و یعنی تاراس بلبکو اختصاص میدهیم:

### تاراس شفچنکو

در قرن نوزدهم در کشور روسیه نویسندگان و شعرای بزرگی بوجود آمدند که تاریخ ادبیات این کشور بوجود چنین فرزندانی افتخار میکند لیکن اشاره شدید عمال پست حاکمه بوسیله توزاری روسیه زندگی این نوابغ را با بدرد و رنج و مرگ همراه ساخت و چنگال سیاه تشکیلات توزاری گلوی این آزاد مردان را فشرد.

پوشکین، لرمانتوف، ازکسانی بودند که در سنین جوانی بدست دژخیمان توزاری از پای در آمدند در حالیکه دوران زندگی پر افتخار آنان به چهل سال هم نرسید.

تاراس شفچنکو نیز یکی دیگر از این نوابغ و مبارزه دیگر یکی دیگر از قربانیهای صول توزاری بود. اشاید اورا نمی‌شناسید و شاید نامش را هم نشنیده و آثارش را هم نخوانده باشید زیرا حکومت توزاری از محو و نابودی این افراد شدید خودداری میکرد.

تاراس هم گناه خاق پرستی انسان دوستی و شرمسر بودن برای دهقان ۱۰ سال از بهترین سالهای عمر خویش را در خدمت سربازاری در قفقاز بست دور افتاده.

در زیر سلطه افسران پوسیده و فاسد توزاری بسر برد. ۱۰ سال اجر و مشقت تحمل کرد و از هدف و آرمان خود دست برنداشت و تا آخرین لحظه عمر نیز در راه مقدس خود مجاهده و مبارزه کرد!

زندگی پر افتخار این شاعر و نقاش نامی روس در فیلمی که نام خود او نامیده شده است و اکنون در سینما کریستال نمایش میدهند گرد آمده است.

تاراس این شاعر خلق شاعر مبارز راه آزادی و سراینده شعرهای روستائی است وی فرزند زادهین او گرا بین است که کودکی خودرا در غلامی گذرانیده لیکن استعداد و ابداع شگرف او توجه اهل ذوق و متوقین هنر را جلب کرد و بالاخره به آکادمی هنرهای زیبا رفت و رهبر نقاشی بسر بردن شمرنیز پرداخت اما این شعرها زمزمه‌ها و ناله‌های زارهین او گرا بین بود که از زندگی طاقت فرسای دهقانان زرخرید شکایت میکردند!

هنگامیکه باو گفتند: تو وامیراند «نقاش مشهور هلندی» روسیه هستی!

درجواب گفت!

«من اگر وامیراند باشم، وامیراند زارهین و موزیکها هستم!

هنگامیکه یکی از اشراف باو میگوید «شاهم در کودکی غلام چه ای بودید و اینرا فراموش کردیم! او در جواب میگوید «آقامن هر گز اینرا فراموش نخواهم کرد که ژرخریدا فرادی مانند شما بودم» او حقیقت را مدتها بود که دریافته بود و این امر او را در مبارزه یاری میکرد و اراده آهنین مرحوم را سخ احساساتی عالی و آتشین تاراس را انسانی عالی و بلندپایه ساخته بود. مجرم این احساسات وطن پرستانه و شعرهای انسان دوستانه خود محکوم به سربازی شد ولی این امر نیز در آرمان و همت او تغییری پدید نیاورد حتی مرا کونکی دوست صمیمی او به چرنشفکی گفت:

«چشم اولازای درآمد پیر شده ولی روحش تغییری نیافته» در سال ۱۸۵۵ پس از مرگ نیکلای اول امپراطور روسیه در نتیجه مجاهدات نویسندگان بزرگ روسیه مانند چرنشفکی دوبرولیوف، تورگیف تولستوی و... تاراس آزاد شد و استقلال بی نظیر دوستان خودو هنرمندان روبرو گشت.

در این فیلم که شکل موثری تنظیم شده بخوبی جریان زندگی تاراس افکار و احساسات او مجسم میگردد و در سایه یك بازی قوی و عالی روح پر شور و احساسات وصف نشدنی این شاعر نامی بطرز موثر تجلی مینماید جریان داستان فیلم تنها مربوط به تاراس نیست بلکه از طرفی اعلان و آداب اشراف پوسیده و از طرف دیگر احساسات زارهین مجسم میگردد داستان فیلم گذشته از ارزش اخلاقی و اجتماعی نود دارای جنبه و ارزش تاریخی و هنری نیز هست فیلم «تاراس» فختکچو مصول ۱۹۵۱ استودیو دیوه المهای هنری شهر کی یف شوروی میباشد رژیسور لاپوکنیش و آشاروف و کارگردان ایکورساچنکو میباشد ابتراهم باید متذکر شوم که داستان این فیلم مطابق ذوق روح ایرانی بخصوص روح حساس و هنرمند نباشد و از این لحاظ مورد پسند و علاقه اهل ذوق است ما بخوانندگان عزیز تماشای این فیلم را توصیه مینمایم.

# افتتاح آموزشگاه عالی

## خیاطی لگا

### سندیکای خیاط و پیراهن دوز

مدیر سالن دوزندگی لگا پس از مسافرت از شهرهای آلمان و فرانسه و بازدید خیاط خانه‌های بزرگ پاریس و آلمان تصمیم گرفت بمجرد ورود بایران دست به تاسیس آموزشگاهی که اصول و قوانین برش را طبق متداول دنیائی که در آنجا تدریس بنماید بزند.

وی در مدت کوتاهی موفق شد که دیپلم خیاطی را از هنرستانهای مولیر آلمان و داروکس فرانسه بدست آورد و در پاریس برش وی جلب «لم فرانسویها را کرد و بهمین مناسبت شرح حال و عکس ایشان را در چند مین مجله چاپ رسانیدند و ایشان را مورد تشویق قرار دادند.

آقای روستا بامر فی سفارتخانه‌های ایران در آلمان و فرانسه عموم خیاطخانه های درجه یك آلمان و فرانسه را بازدید نمودند و همچنین چندین آموزشگاه برش خیاطی را از نظر گذرانیدند!

در مراجعت بایران ابتدا آقای روستا از وزارت فرهنگ اجازه تاسیس آموزشگاه خیاطی را گرفته و شروع بتکمیل وسایل آموزشگاه نمودند بهمین مناسبت از طرف مدیر آموزشگاه از هده‌های از هنرمندان دعوت بعمل آمده بود در ساعت ۴ و ۵ آقای روستا شروع بصحبت کردند و شمه‌ای از مشاهدات خودرا در اروپا شرح دادند و سپس منظور خودرا از تاسیس آموزشگاه بیان نموده و گفتند که نده می خواهم از این آموزشگاه استفاده های مادی بکنم همینقدر آرزو دارم که ایرانیها با چاپ قافله تمدن دنیا به جلو گام بردارند.

زحمات و فداکاریهای ایشان در راه تاسیس این آموزشگاه قابل تمجید و ستایش است.

اکنون در آموزشگاه عالی خیاطی لگا سه رشته تعلیم داده میشود بازك دوزی زنانه، کلفت دوزی زنانه و مردانه دوزی.

کلفت دوزی زنانه و مردانه دوزی تحت نظر متخصصین فن که دیپلمه اروپا میباشند تدریس میشود و زنانه دوزی بازك نیز تحت نظر بانوی متخصص تدریس میشود و باضافه. گلدوزی. پنبه دوزی. پیله دوزی ابریشم دوزی. منجوق دوزی لباس‌های زیر پوش زنانه و لباس خانه نیز تدریس میشود.

تابحال عده زیادی اعم از زن و مرد برای شرکت در کلاسها نام نویسی نموده‌اند دوره کلاس چهار ماه خواهد بود و شاگردان کلاس اگر بتوانند از عهده امتحانات برآیند از طرف آموزشگاه بایشان دیپلم داده میشود.


سندیکای خیاط و پیراهن دوز ایران

آموزشگاه عالی خیاطی

و برش زنانه و مردانه لگا

دارای دیپلم عالی از هنرستان‌های عالی خیاطی (داروکس) پاریس و (مولر) آلمان هامبورگ

دارای امتیازنامه رسمی از وزارت فرهنگ و تصویب شده سندیکای خیاطها از یازدهم مهر تحت نظر متخصصین اروپا دیده شروع به تعلیم آخرین متد برش و دوخت دنیا خواهد نمود

بانوان و دوشیزگان برای استفاده در این آموزشگاه هنری میتوانند همه روزه صبحها برای ثبت نام بدفتر آموزشگاه واقع در خیابان لاله‌زار روبروی پیرایش قسمت فوقانی سالن دوزندگی لگا مراجعه فرمایند.

تلفن ۳۹۸۷۰


## شایعات از روزنامه‌ها

### چه خوابهائی در شیراز می‌بینند؟

**اسرار آینده**

- از شیراز مینویسند که چندی قبل سید نورالدین شیرازی رهبر باصطلاح حزب «برادران» که از دستجات دست نشانده انگلیسها است مجلسی باشرکت جمعی از جاهلان رئیس سابق شهربانی فروغ الملك قوامی تشکیل میدهد و میگوید دوازده سال نامبرده رئیس بود ما از هر حیث در تامین بودیم (رئیس مزبور سال قبل عوض شد) اکنون باید نامنی ایجاد و کاری بکنیم که دولت دوباره مجبور بابقاء وی گردد.

این داروسته پلید در نظر دارند روز های محرم حالات و عربده جوئی عالی ترتیب دهند و باقرار شرافتمند و آزادی خواه حمله برند تا بخیال خود بنفع رئیس شهربانی مستعفی زمینه سازی کنند.

شعله خشم - لعنت بر تمام بیگانه پرستان اژهر قشائی که و در هر لباس که هستند.

## نقشه سرکوبی مخالفین دربار ریخته شد

### مرد آسیا

پریشب در باشگاه شکار که زیر نظر مستقیم شاهپور علیرضا جلسه‌ای مرکب از چند نفر امرای لشکر ارتش تشکیل گردید در این جلسه شالوده سرکوبی مخالفین دربار و بخصوص کسانیکه علیه شاهپور علیرضا در جراید بحالی دست زده و مورد نه ریخته شد و بودجه آنهم برای این منظور تامین گردید

## زد و خورد در منزل حضرت آیت‌اله کاشانی

### اصلاحات ایران

اخیرا در اذهان و افکار عمومی رواج داده‌اند که در منزل حضرت آیت‌اله کاشانی زد و خورد شده و بحضرت آیت‌اله هم که میانه و واسطه بوده ضربت زده‌اند موضوع اینطور نبوده و تکذیب میشود قضایا از این قرار است.

شعبان بی مخ و امیر انگوری در منزل حضرت آیت‌اله بودند باهم خیلی گرم و صمیمانه صحبت میکردند بعد باتفاق خارج شدند در خیابان پامنار شعبان باچاقو به امیر انگوری میزند مشارالیه هم شعبان چاقو میزند اهالی پامنار بحمایت امیر انگوری روی شعبان ریخته و اورا میزنند مجروح می کنند شعبان که وضع را بد می بیند فرار نموده بمنزل آیت‌اله میآید امیر انگوری او را تعقیب و کلاویز میشوند که باعیان‌ها آنها را دستگیر و فعلا هم در بیمارستانها بستری هستند البته همه اطلاع دارند روزیکه حضرت آیت‌اله تشریف آوردند تمام داروسته‌ها پیشواز رفتند اول پامنار که طاق نصرت بود رسیدند غیر از داروسته امیر انگوری، بدیگران اجازه ندادند بمنزل حضرت آیت‌اله وارد شوند این کینه شده بود در دل شعبان که نتیجتا این پیش آمد کرد بهبودی و شفای هردو نفر را از خداوند خواهانیم

## یکماه ضرب الاجل برای تشخیص صلاحیت قضات معین شد

دادیروز در معاون قضائی محیت از این بود که آقای نخست وزیر برای تشخیص صلاحیت قضائی مدتی کمتر از دو ماه وقت تعیین نموده‌اند که هیئت پنج نفری باین امر رسیدگی کند ولی در جلسه ای که پریروز در حضور آقای دکتر مصدق تشکیل گردید ایشان بآقایان قضات مامور تشخیص صلاحیت مستعدین قضائی وزارت دادگستری توصیه و تاکید نموده‌اند که باید وظایف خویش را در اصلاح کادر قضائی کشور و تشخیص و تفکیك قضات با صلاحیت از قضات نااصالح و بالاخره تصفیه دستگاه دادگستری تا انقضای یکماه انجام دهند و چنانچه در این باره مشاهده بکار برند دولت ناچار خواهد بود مسئولیت را برعهده گیرد و خود اقدام نماید و در این صورت مسئولیت قانونی متوجه آنها خواهد شد.

## آقایان از دام عشوه زنان بپرهیزید

### از سلکسیون سانتی مانتال

سابقا اگر کسی میخواست ازدواج کند ابتدا پدر و مادرش دختری را که برایش در نظر گرفته بودند می پسندیدند و پس از آن داماد مباشرت مختصری با دختر می کرد و اکراورا می پسندید وسایل ازدواج را فراهم میساخت.

البته مرد میتوانست وقتی پدر و مادرش دختری را که دیده و پسندیده بودند برای همسری انتخاب نکند. زیرا ناچار بود از همه لحاظ مراعات نظریات پدر و مادرش را بکند اما در عصر حاضر قضیه بعکس شده است یعنی پدر و مادر در انتخاب عروس آینده خویش کمتر دخالت میکنند و این حق را بعهده فرزندان خودشان واگذار کرده‌اند

مسلما برای پسران و مردانی که مجرب بوده و تعلیم و تربیت صحیحی را دیده باشند این امر اشکالی ندارد وحتی این امر بنیان زناشوئی آنان را محکمتر خواهد کرد زیرا قبل از ازدواج فرصت کافی خواهند داشت که در روحیات و تمایلات و رفتار یکدیگر غور و بررسی کنند و در صورتیکه افق فکری و روحی آنان با هم تطابق داشت، وسایل ازدواج را فراهم سازند.

همین تجدد امور، در مقدمات ازدواج سبب شده که زنان بیکی از قدیم ترین و کلی ترین سیاستهای خویش بیشتر توجه داشته باشند و آنرا بصورت عالیتر و تر گرپیاتی و تمایل که آمیخته با یکدیگر اجرا میشوند یکی از آنا کنیکهای ماهرانه وعیقا ایست که زنان مجرب و دختران آزموده برای بدام انداختن مردان بکار میبرند:

مثلا شما یا دختر یا زنی برای اولین بار ملاقات میکنید احتمال دارد که آن خانم زیبا باشد و شما هم مورد پسند او باشید کسی برای شما بچشم دست آبرو زبان عشوه و ناز میفروشد و شما را دعوت میکند که با او گرم بگیرند.

البته این دعوت زبانی نیست و شما نمیگوید که بفرمائید تا قدری باهم صحبت کنیم و یا گردش برویم اما شما اگر آدم بخت بی باشید از حرکاتش احساس خواهید کرد که شما را بسوی خود دعوت میکند.

وقتیکه زنی فهمید شما متوجهش هستید با انواع و اقسام وسایل بعشوه‌گری پردازد تا اینکه شما را مجذوب سازد تصور نکنید که این حالت فقط مخصوص زنان زیباست، بلکه چه بسا زنان زشت و متوسط نیز دست همه زنان را از لحاظ عشوه گری از پشت بسته‌اند و مردان نیز ثابت شده که بیشتر به تبت زنان پرعشوه و نازعلاقه‌مند میشوند.

ما تمرین کور ماهرانه‌ای از زنان را برای جلب مردان عشوه گری تشکیل میدهد و یکوقت شما احساس میکنید که نمیدانید و نسنجیده در دام عشق زنی اسیر شده‌اید

خوب حالا که اینطور است، باید از این دام پرهیز کرد، حتی الامکان فریب نگاه، حرکات دلچسب و محرك زنان را خورد و باسانی بدام نیفتاد.

باور کنید این موضوع درباره صدی هشتاد از مردانی که بدام عشقبازان یا دختری اسیر شده‌اند صدق میکند.

البته دختران زیاد آهنا برموز عشوه فروشی نیستند اما زنان بقدری این صفت را خوب موقعه‌اند که آنرا بمرحله خطرناك رسانیده‌اند.

بنا براین باید خیلی احتیاط کرد و از دامی که زنان بوسیله دوراه مردان گسترده‌اند پرهیز کرد.

اما وضع زنان و مردان واقعا خیلی بهتر از سابق شده است شما دیگر زیر بار تحملات پدر و مادر نمیروید و بعرطور که دلتان میخواهد همسر و شریك زندگی خودتان را انتخاب میکنید.

عشوه و غمازی برای دختران و زنان بی شوهر نیز لازمست اما باید این قواد حرکت درجای مناسب بکار برده شود نه اینکه هرزنی هرمردی را که از او خوشش آمد میل داشته باشد اذیت کند و باو عشوه و ناز بفروشد.

این موضوع مخاطرات اخلاقی زیادی را در بردارد که موضوع مقال ما نیست از طرفی تماس زیاد مردان و زنان بکنی رفاقت و همکاری را بوجود آورده است.

ملاحظه فرمائید در داشکده‌ها و مغازه‌ها و در کارخانجات در مکانهائی که زنان و کارگران و مرد مشترك شده حس رفاقت و همکاری بیشتری بوجود آمده است.

زنان بیشتر از سابق میدانند که چه نوع همسری میتوانند زندگی کنند و مردان هم در انتخاب همسر با کمال آزادی مختار میباشند.

طنازی و عشوه گری بیجا و غیر مناسب شان زنان لایق و تحصیل کرده نیست نمیتوان انکار کرد که جنس زن خمیره‌ای باید با این مواد آمیخته شده باشد و دوست داشتن نخواهد بود اما بعضی زنان هستند که دکان خودفروشی و عشوه گری باز کرده‌اند و باید مردان از همین قبیل پرهیز داشته باشند.

آقایان مواظب باشید که حتی الامکان عشوه زنی شما را مدهوش نسازد، و از هوائیها را مشاهده خواهید کرد که خودتان هم دچار بهت و حیرت می‌شوید.

اما اگر زنی شما، یا نامزد شما چنان حرکاتی کرد و خواست دلبری کند زیاد اشکال ندارد بلکه مفید هم هست.

## خبرهای ایران

بقیه از صفحه ۱

آمد داوطلبان که تاپایان تاریخ ثبت نام نویسی یعنی ظهر ششم مهرماه ثبت نام کرده باشند باید روز ۵ شنبه دهم مهر ساعت ۴ تا ۶ مساز ظهر برای گرفتن کارت شرکت در امتحان مسابقه بدفتر داشکده حقوق مراجعه نمایند

### دکتر شاخت مصدق را مرد توانائی میداند

در گفتگوئی مطبوعاتی که در شهر هامبورك آلمان تشکیل گردید دکتر شاخت سلطان اقتصادی جهان گفت مصدق مرد عصبانی و مستبدی نیست وی مردی سیاسی و باحسن نظر و توانائی کامل است، بلکه ایران پرداخته موضوع نفت ایران باید از نظر بازرگانی حل شود نه از نظر سیاسی

### دعوت حضرت آیت‌اله کاشانی از نمایندگان مجلس

در تعقیب ملاقاتی که روز پنجشنبه آقای مهندس رضوی نایب رئیس مجلس شورایملی با حضرت آیت‌اله کاشانی در تعیین روش مجلس شورای ملی پس از اعتماد نمودند از طرف آقای مهندس رضوی از کلیه نمایندگان مجلس شورای ملی دعوت بعمل آمد که ساعت شش و نیم روز دوشنبه آینده در منزل آقای مفید برای ملاقات حضرت آیت‌اله کاشانی حضور بهم رسانند

### شیلات ملی می‌شود

بطوری که اطلاع می رسد دولت شوروی در نظر دارد که دوباره در امر شیلات اعمال نفوذ نموده و دوره قرارداد بین دولتین ایران و شوروی بسته شود ولی جناب آقای دکتر معیر مصدق که در دوره نخست مجلس شورای ملی مخالف امتیاز بروسها بودند و با تشکیل شیلات چه مخالفت کردند اکنون نیز نظر خود حفظ نموده و گفته اند که باید بدنبال امپریالیزم سیاه انگلستان امپریالیسم سرخ را نیز از ایران ریشه کن کنیم و تنها راه آن ملی کردن شیلات میباشد.

گفته می‌شود که حزب توده بوسیله شیلات که دارای پی سیم های متعددی میباشد.

اخبار ایران رایشوروی مغایر و از شوروی نیز کسب دستور میکند و در ضمن منافع شیلات نیز برای تقویت حزب توده مصرف میشود نظر حضرت آیت‌اله کاشانی نیز بر پایه ملی شدن شیلات موافق است و احتمال دارد بزودی این نقشه اجرا. وزارت دارائی ابلاغ شود.

چاپخانه خشم

داستان هفته

بقلم شیروانپور

# «بیاد فرزندان رشید آذربایجان»

آنجا کنار جوبار خوش خرامیکه نرمی در پیچ وخم تپه‌های بلند و خاکی چرخ بزند وهمچون مستان پیلی پیلی میخورد ولنزار ورهصن وی یکنواخت ونرم شرسر سرمیداد درخت کهن وسالخورده وتناوری جنه کلفت وخشن وپوک خود را زحمت سرپا نگهداشته خاشاکهای طول وپهن برش به پشتگرمی برامین تکیه داده بود وبرخی بروی نهالهای تازه و قلبه های سر سبز آبالو کنترش داده دست نوازش برچهره لطیف وانعام تحفشان میکشید وآنهارادرسایه خنك ودل پذیرخویش جمع وچون کرنه برایشان افسانه میگفت.

نسیم وچیرورو سحرگاهی قامتهای الف وسبزه بانمکشانرا یکجا درآغوش خود میفشرد واز شدت ظرافت ولطافت دیك دیك بخود میلرزیدند.

گلهای وحشی سرخ، خودمالی ولخت ودور ازدل سنك کوه مثل قطرات درشت خون بیرون جوشیده آنها یزدرابرابر وزش بادبیکبال ،رخ سرخ وخوش آب ورنك خودرا درشال گردن سبز برك فروبرده وخیشهای براق و درخشان نشان میدادکه دیشب چاپلوسی کرده‌اند وحالا ازدور تبسم کرده نموده‌اند

کم کم ازپشت کوهسار اشعه زرین آفتاب تپه‌های شفاف وطلائی خودرادر دل کوه وکمر، دشت وصحرا فروبرده. قلبدوش شاخه های درختان سوارمیکرد و ازشاها وچراغهاکولی میگرفت ونرم نرم پائین میخزید ازنسیم سراغ شکوفه های شیطان وپرجست وخیزرا گرفته قطرات برآب شبنم را از منظر دلفریبشان میکشید وته توشی رامیلیسید.اما این تبسمی بود که دوپایش را توی یك کفش نموده برای خود کنج وتجی انتخاب کند لزام تا کام ساکت و آرام گوشه‌ای چنبك زند و انگشت بدهان محو تماشای طبیعت پرلبیت گردد نه، از میان موقع ستاره به آسمان که مرغ حق سرخاك خفته هوار میکشید بچه بتدبل خودرا روی گردنش کشیده تمام درزودوز ها وسوراخ سبه‌هارا سرمیزد بام تاشام ازمبین وبسار وگل باجی وستر نخانم وشکوفه خانم احوال پرسی می نمود وگاهی هم محض خاطردل با آنها فرنگی پاشید خوب کجاها میرفت؟

از شما چه پنهان هرجا که فرود میامد میگفت جاداشتم و جاشین نداشتم آنوقت همه‌را پس و پیش میکرد وبرای خودش پوسه‌ای ازپرپرخان چمن میربود وازنوك شاخه ها می آویخت وتاب میخورد.

میان خوشه های طلائی گندم پاهایش رادرازمی کرد ولختی ولومیشد وتاج های مکلل آنهارابهم میساید وبرایشان ارمغه جا ازآن خوب خوبهایش تعریف می کرد..

قصه های دیگران رابانهامیگفت و مال آنها رابرای اغیارسوغات میبرد داستانی واکه اکنون درخت کهن مابابلاج ماج ونازو افاده جهت اطفال شوخ خود آن نهالهای باروح و شاداب آن قصه های شکرشکن که سراپا گوش شده بادهان نیمه بازمادرات مادرفرتوت وچروکیده خود را نظاره می کردند یادمیداشت ازآن نسیم خود مال آن پیرقرابات که اقدر بسك وکلوخ بورده تاحلاصاف و صوف ونرم وهموارگشته شنیده بود.

اودرحالیکه جای زخمهای تیر پیردهاتی راکه درگذشته برای امتحان به بدنش وارد ساخته بود بتندی میخاراند لب ازلب گرفت وچنین گفت.

تابستان پنج سال پیش بود دخت طبیعت مانند همیشه عادت هرسالسه بسر دامن پرچین و شقیقه جادارو کتاد خود کلزیته های خوش ورنگین جلف وسنگین آویخته ومیاشان رپخته بود.

آنجاراهنگین شهرمی گفتند بلی همانجا بودکه قلعلی دهقان شمیده‌وزارع چلیکه باندام لاغر و یاد بادکش درصحرای بیکران روی خرمنلوی که دوگاو آنرا میکشید.

نشسته بود وباصدای ضعیف و لرزاش گاوانرا میراند وهماطورکه دو درو می کرد باچشمان ریزومات رنگش بخرمنهای زرین گندم نگاه می کرد و آه میکشید وخوشه های گندم نیز ازشدت زجروفشار جلروواز ناده زوزه میکشیدند وحردوخمیر میشدند بادملایمی میوزید وچهره آفتاب زده وسوخته اش را نوازش میشود ولای چروکهای خاك آلودش را نوت میکرد پیر مرد بعد ازدو سه بار دهان کشودن وبستن بالاخره پس از دودلی سرشرا طرف آلونك کوچك خودکه دوروبرش ازاکاه گل وسقف رادباتن وبدن خشك وپرتیرپشته شاه‌های درختان پوشانده بودند برگردانده بانام قدرت فریادزدآهای لطیفه مانی نگفتند که ازداخل آلونك دختربچه زیروزرنگی با جامه بیات وپای برهنه بیرون پرید ودوان بجانب پدرش روان شده وچون نزدیکش رسید گفت چه کارم داری!

قلعلی باصدای دورگه‌اش چنین گفت:

فرونت بشم به آب‌خوردن این جابشین و کاوهار وهین کن تامن به‌مشت آب بسروکلام بزنم وخاك وغلم‌را بتکوانم امابدا بیردوشاخ کنی وبازی گوش بشی بیاچون دلم خانم وخاتون‌رو این خرمنکوب جابگیر تامن الان برگردم.

این راگفت وباهمنگی باچین آمد وبسوی نهرآب رفت وپس ازشستشوی سر وصورت خودچوب‌دستی کلفت وقلبه سلبه‌اش‌را میان‌مشت گرفت وآلونك وغیره رادرپشت سرگذاشت.

خیلی راه رفت تا اینکه بمیدان ده رسید ودهاتیها باهیاکل خرد و کلان نجراشیده وتتراشیده بسا کلاههای کپن وگیوه‌های زمخت وورکشیده دنبال گاو و گوسفند ومال‌خود در رفت وآمد بودند.

قلعلی لنگان ازکوچه راهی پیچیده وارد میدان‌شد ویك‌راست بسوی‌قهوه خانه مشهد بداللهرفت ووارد آن‌جا شد.

هوای قهوه‌خانه از زور دودقلیان وچپق گرفته وتار وخفه بود بیرون‌آن روی‌سکوی کلی که ازبندین‌سو دهان‌بازکرده بود دو امنیه با البسه‌زرد ورك و رو رفته باسپیلهای کلفت وصورتهای پرازدوخته وترکیده نشسته بودند وگفتگو می نمودند.

دوروقهوه‌خانه نیز ازانواع واقسام دهاتی‌ها پربود در یکی ازگوشه‌های آنجاچهارنفردورهم‌حلقه‌زده بودند قلعلی بود ومش بداللهصاحب قهوه خانه همچنین پیوك‌آقاکه جوانك‌خوش‌آب ورنك‌وتازه روئی بود چهارمی‌راهم نوعلی می گفتند ازدرگوش سخن گفتنشان پیدا بود که صحبت‌هایشان خصوصی ودر باره مطلب مشترکی است.

مش‌بداللهکه گفتارش دراثرآمدن قلعلی متوقف‌شده بود پس‌از سلام‌واحوال پرسی باو چنین گفت.

قلعلی چون‌آقائی‌که شما باشیدداشتم می‌گفتم‌که پیوك‌آقاخبرهای خوبی امروز برایمون ازتبریز آورده اینطورکه گفته می‌شود پواش پواش رنقا دادن دون‌می‌گیرند وبروبالای قرص میکنند.

پیش‌خودت بوبه‌که اصال تقی پتوقی کارها تومه وقرار وبندارها صورت عمل بخودشون می‌گیرند آنگاه آهی‌طولانی کشیده‌گفت‌یعنی میشه ما بالاخره بیراد خودمون برسیم ودست ارباب‌ها از سرمون کوتاه‌کنیم؟

آیا میادآروزی‌که اونهمه شکنجه‌وآزاررا تلافی کنیم‌ونقاص خون کیلانی وصدهامثل‌اورا که زیرشلاق ارباب‌جون دادند بکشیم.

دراینموقع قلعلی تنه‌ای بمش‌بداله زدوگفت هیس‌پواش چه‌خبرته‌بنظرم میخواهی کاردستمان‌بدهی وبنه‌را روی‌آب‌بندازی شاید غریبه ای‌مفتشی‌شاه‌ورنی که‌ومضورو بگیره

مش‌بداله درحالیکه نوك چهار انگشت دستش راپشانی میزد وقیافه‌اش میداد. گفت‌ای بابااصلاآدم‌زدل‌وشکاکی هستی تصدقت برم‌اینهارو که‌اینجاببینی سرتا ته یك کر باشند و همه چشون سرشو نرودو اینکارها گذاشته‌اند

راستش که هلی ولولی‌زمستون تموم‌نشده و سیاهی بزغ‌ال موندهوره‌بگیر وبه‌بند وبروبرواریاها رو بقناعت ،این‌هربزدرو نه‌ها ،آقازاده‌ها دیگه‌حساب‌شون بایکی‌دوتا پوسیده‌ومیده وآبلیبو ومردلی مثل کیلانی وقلعلی خودمون نیست بالاشرو بگیر صدهزار تااگر هم‌دور هم‌جمع بشند حرفمون نمیشنند

راس راستی نوبرش رو آوردی وخلی آدم زدلی هستی ای‌بابا این‌تیکه پاره‌ها، لغت و پتی ها کشته تشنه‌ها،وصله تن خودمونند وطعم ظالم ومزه‌جورو ستم روانها هم مثل ماچشیده اند وخرج عیش‌ونوش اربابهارو بدوش کشیده‌اند من‌وتوکه پیرهنمون توبه آفتاب خشك‌میشه و موهاپیوند و توبه آسیاب سفیده گردوابم نباید این‌حرفهارو بزنیم خوب من‌جای‌دیگریم کاردارم وچندمحله‌دیگر راهم باید سرکشی کنم باقی حرفهایمون بدده واسه روز جمعه پائین بکسب و کارتون برسین کارهاتونرو برگذار کنیدتابعد خدا بزرگه وفردا روکی دیده

قلعلی‌آخرین نفری بودکه‌بامش‌بداله خداحافظی‌نموده دست‌چزقاله‌اش را تودست عصایش گذاشت وباهم هلك‌هلك راه‌آلونك خودرا پیش گرفتند

حالا دیگر بخوبی گاوآهن خودرا در حالیکه دخترش روی آن نشسته بود وآنرا میگرداند ازدور درچشمش میرفت و صدای نازك ولاویز لطیفه در حرکت تشویق وکمکش می‌کردهاقبت پس‌ازخستگی‌ودر کوفتگی بسیارباورسیدوقس زبان گفت بارك‌اله دخترم انشاءاله عروسیت خیلی خوب نوبت منست.

اماهنوز سخن آخرش راپایان نرسانده بود که لطیفه

لطیفه در جینیکه قدری گرفته بنظر میرسید گفت بابابچه خوب شد آمدی الان نیمساعت بیشتراست که‌ارباب توباغش منتظرته وگفت اگرکاسه آب‌دستشه بگذاره زمین وبیاد قلعلی باچار راه خودرا کج نموده وبراه افتاد پس ازچندی درب باغ‌ارباب‌را کوبید وپس‌از مدتی وارد آنجا شد وآهسته ازمیان جماعه باریکی که‌سنگفرش شده بود باطاق ارباب راهنمائی شد.

حاج حسین باشکم برآمده وقیافه پف آلودخود پشت میزی نشسته‌سرگرم گفت وشنود باسروان امنیه بود وچون‌چشمش‌بقلعلی‌افتاد گفت بازهم که کاردو زندگیت راول کرده بودی و نمیدونم بکدوم جهنم دره‌رفته بودی اینکه وضع کارکردن نیست بنظرم دست‌وپات‌جائی بنده سروسری داوری هردفعه که‌دنبال‌تو فرستادم می‌نورد آنورد رفته وگندمهارو یك دختربچه زبان نفهم میبری مگر نگفته بودم زود کلك اینهارو بکن وتوکیسه‌خون بکن وتحویل‌ده‌کرم بدهمن پول آنهااحتیاج دارم امروز سرم شلوغه، غریبه که‌اینجا نیست،لم‌موای وکلات کرده ،نرا بخدا جناب سرهنگ وان دوراز‌اینا چیزی من ازهمه کمتره پول میخوان دارم رعیت ومال ومنال گله‌وگاو وگوسفند زبردس وپام ریخته،پارتی که‌تاو، توی‌همه دستگاهها ازچون ودل برام پی‌فرمونند ،اماموادش‌مرف سر اینجاست اینهم آسونه مگه‌اونهای دیگردارند که‌منش داشته باشم‌نه‌واله ،اما این حرفها میون من‌وجناب سروانه‌و بقلعلی مربوط نیست‌فقط اون باید پول برسونه، من چه‌میدونم اینها دیگه بمن‌ربطی‌نداره

آنگاه هردو بصدای بلند خندیدند وازقهقهه گریبانش قلعلی‌دلش هری تورپخت وباچشمان دریده وآتشین زبان بی‌حیای هر دو را میدید که چگونه میان دهان گله گشادان میرقصه وداشت ازفرط بغض وکینه ازجای کنده میشدکه سخنان گرم وپرامید مش‌بداله‌آن جمله‌های خونین وانقلابی‌آن کلمات الهام بخش وروحانی دهنده ازدرد ومذلت‌سختی وتنگی سرچایش نگهداشت ودلش‌را بدست آورده

بادمهرگان دشت ودمن باغ‌وچمن وسرورروی اهالی مشکین شهررا از خاك‌ونل وگردوغبارهمچون‌غرابه سرکه و مرتبون سکنجبین انبارقالی پوشانده بود

دمکراتها برتبریز دست یافته بودندراه‌ایشان مثل‌موخورده‌ریشه‌میدواند دامنه این افتشاشات نیز بمشکین‌شهریکی‌ازتوابع اردبیل کشیده شده.

درینکی ازهمین روزهابودکه‌ناگهان اهالی‌شهرکه‌مغفیانه بوسیله‌دمکرات ها مسلح‌شده بودند بادگانها وخانه های اربابی هجوم بردند ، درآنمیان بخوبی قیافه‌های سرخ‌وآتش‌گرفته مش بداله که‌فنگی‌درآغوش‌گرفته بود ،بیوك‌آقا ، نورعلی،که آن‌ها نیزبشت مسلسلی قرارگرفته بودند دیده‌میشد حتی‌قلعلی هم‌از پای‌ننشسته بود وباداس‌تیز وبراق‌خود درآن‌میان‌ورجه‌و ورجه می کرد.

همه باهم کارمی‌کردند همه ازبرای بنای انقلاب ازجان ودل خشت‌می زدند پی‌میریختند وخون باکشاورزا باآن میآمیختند ، داس قلعلی چه خوب‌درومی کرد ازدیگران مسلمان‌هم بهتر آخرآورا ازدست‌ها پیش‌تیزکرده بود.

مثل این‌که جوان‌شده بود آیاانقلاب پیراهم جوان می‌کند وسر شوق می‌آورد.

اوکه تادیروز پاندداشت ،اوکه برای‌پای‌قدم‌راه رفتن‌عصا وچوب‌دستی می‌خواست وآخرهم سکندری‌می‌رفت حال تهیدم داس انقلاب‌عصای اوبودکه‌یك چنین‌جرئه وتن بهادری پیدا کرده بود وبا این سن وسال قالتان کهنه‌شده بود و دشمنان خودرا درآسمان بیم می‌گشت.

روبهرفته‌وضع بایشو دیگش‌یکش بود، چه‌خونهاکه فواره‌می‌زد وچه قلب‌ها که خنجر بخود کشید.

بهرچیت‌هرچه بود انقلاب‌بود ومیبایست خیلی ازحسابها تصفیه شودچند روزی گذشت کم کم‌آب‌ها ازآسیاب‌افتاد اما توابین‌هیرو ویرش بداله‌بیش‌از همه برای‌خودسمت رسمی وتشخص خلق پیداکرده بود خوب‌مش‌هم همین‌بود الحق‌و الانصاف هم بیشتر کارها وشنه‌ها بدست‌او ودوسه‌نفردیگر ازجمله بیوك‌آقا و نورعلی‌طرح شده و انجام‌گرفته بود.

خلاصه کلام‌از این پس‌مشهدی‌را ازجاواسم خان برداشتند واورا چناب سروان‌شواندند.

امانه خیال‌کنید قهوه‌خانه خودرا ازدست داده برعکس‌آنرا بدست بیوك آقا سپرد وهزارجور بساط‌نشاط درآن‌آراست ودرمواقع‌قدرشاه‌صاحاضر گشته بادو صد ناز وکرشمه شیشیلی کلان‌وپاچ‌وخراج ٦ ستاره خودرا دریافت میداشت.

باگذشت‌زمان اشیاء رنك دیگری بخود می گرفتند و مقاصد پائیان انقلاب کم‌کم‌آفتابی می‌شد برای جناب سروان انقلابی از تبریز مرکز فرقه دمکرات مرکزفرقه دستور رسیده بودکه افراد عضوباید لباس محلی را دور افکنند وانیفرم افسران وسربازان روسی را بپوشند.

اما اجرای‌این دستورچندان مشکل‌نبود زیرا احساسات وتعصباتی‌که‌افراد انقلابی دراینداه داشتند این‌چیزهارا نادیده می گرفتند و اهمیت نمیدادند ولی موضوع باین‌سادگی‌هانبود وهرروز پیچیده‌تر میشد اگر تاحالی‌می‌بایست البسه ارتش شوروی‌رادربرکنندازاین بعد می‌بایست باتعداد زیادی از خود آنها باسم مهاجرین‌قفقاز دربروبودند وسروکله یکدیگررا مالامال از بوسه آبدارکنند و برای‌اینکه افکارعامه را رام‌نمایند عکس‌های زیادی ازسران فرقه منتشرساختند درحالی‌که آنهارا باافسران روسی وطل‌زبان زیرپرچم پاشامین استالین‌پاشامین پیشه‌وری باش‌وزیر ومقداری پاشامون‌های دیگرنشان میداد وبان ترتیب بنظر خودشان شاهکار زده بودند.

اماانقلابون واقعی که تشنه اصلاحات در قلروحکومت خود بدون چشم داشت بیگانه بودند اواین پایه خانه‌مقدس انقلاب را برنك‌اجنبی آلوده‌اند ورشته های محکم وثاقه ایمانشان سست و تحیف شده تازه پی می‌بردندکه‌ای بابا صد زحمت بارباب‌اولی تمام این کشمکش‌ها وزحمها ودادن هزاران قربانی‌فقط برای افتادن دردام مدام رباب قلدر وقلندر بی‌بندوبار دیگری بوده است ورق بر می گشت وافکار پراکنده میشد آنهاکه طرفدار بیگانه بودند نانشان توی‌روغن و لقمه‌اشان چرب وچیل‌بود

اما آنهاکه نمی‌خواستند بانگلیسی اجنبی‌قدمی دیگر فراترنهندوازهمکاری باقرقه تنگین شرم داشته کنج زندانهای سرد و نمدوی بافجیع ترین وضعی هلاك میشدند

در میان انبوه آنان چهره زرد و داغه بسته قلعلی به‌خوبی مشاهده می‌شد که چگونه با تن رنجور و حال نزار به‌گوشه زندان افتاده

کابوسهای وحشتناك وروناهای پرشیب وفراز زندگی روح و چشمش‌را دردمیداده درنظرش می‌آمد که‌چطور دختران جوان وزیبایش‌رابزورازدسروان بداله بردند و پس ازدوروز دخترش درحالیکه گوهر عفت خود رااز دست‌داده بود نزدش مراجعت‌کرد واشك‌بزبان دردامنش‌آویخت

اومعکه ازگم‌شدن طفلش هراسان شده‌بود وحال باچنین وضع ناجوانمردانه وطاقت فرسائی روبروگشته‌بود بسرعت پیش جناب سروان رفت و فریادکنان چنین گفت:

خجالت نمیکشی، پست‌فطرت، بیسروپا، آیا تواز نزدیکترین‌دوستانت نیزچشم نگرفتی و بناموس اودست درازی کردی این‌بود معنی نهضتی که‌تومدروز کنج قهوه‌خانه خراب شده‌ات درگوشم میخواندی ومرابرای مکتب‌انقلاب‌می‌پختی وتربیت میکردی

ها این بودپاداش آنهمه فداکاری‌ها که درراه نابودی ارباب جبارداخلی از خودشان دادم غافل ازاینکه درچنك اربابان خارجی گرفتار خواهم شد تنك ایدی بر دامان شما اجنبی پرستان که زحمات بی‌حد وفداکاری‌های بی‌نهایت‌مارا دم ساده وفرسوده را هیچ بهیچی گردید وبکجا برباد دادید اما نه‌من بالاخره انتقام خودرا از شما بدصفتان خواهم گرفت.

آری بدنبال‌فداکاری نخستین‌درس‌فداکاری‌خودرا که‌واژگونی تمام‌خائنین‌ومنافقان است‌همراه‌بزاران‌افرادنارضی‌و زجا کشته‌شده انجام‌خواهم‌داد بچاره قلعلی‌ناکنون این کلمات دوسیلی جانانه بر رخ گرفت وچند سرباز شان کشار او را بسوی زندان بردند.

طلبك حالا ازیادآوردن این مناظر شوم وآزار در باغ سبز نشان دادن موهوم درخود فرورفته بود وورحش درنظر چشمش همچون رسوب آبلیمو فرط انداخته بود.

یکسال از این مقدمه گذشت بتدریج بادسرد وپرگرد مهرگان برای‌دومین بار وزیدن گرفت.

سربازان ایران‌هرآن درانتظار حرکت بطرف مرزهای بسته آذربایجان عزیز بودند.

دمکراتهانیزدرکوههای قافلان‌کوه اشخاص اجیروافرادناراضی رابزور وتهدید درسنگرهای زبر وخشن‌جای‌داده بودند.

عاقبت آرتش نیرومندایران بجانب آذربایجان عزیز ازجای‌کنده‌شد وبی صبرانه بتعقیب‌وطن‌فروشان پرداخت وهرچه نزدیك تر می‌شدیم و هراس دل‌های متشنج‌وزهرآلود دمکرات نماهارا ازطپش بازمی‌داشت،اما پیش‌ازآن‌که‌سربازان دلیر سلاح رروی‌آنان کشند همه‌جا مردم‌فریب‌خورده ، خلایق هم‌تیپ قلعلی ها نورعلی‌ها سزای‌خیانت‌کاران وبیگانه‌پرستان را باشدت‌هرچه بیشتر اداکرد شهر ها یکوپس‌از دیگری آزادمی‌شد مشکین شهر یکی‌ازآن‌ها بود.

آذرماه‌بودکه مردم‌شورش کردند وبقلعلی‌وغارت اعضای‌فرقه تلافی کمر بستند میان‌شورشیان ، درآن‌جنجال عجیب وکشتار غریب قلعلی پای برهنه با زیر جامه پاره پاره وشلوار کشادکرباسش‌دوحالی‌که داس زنك زده‌اش رادر دست‌میچرخاند برای خودش فعالیتی داشت همین پیرمرد مردانی وفکستی مردم‌پرکشته را بیاری طلبیده بودوقیام نهالی‌را برضد دروغگویان روس پرست،آن فراش‌ها،کلانتها، آن‌عباشها ،خائن‌تراش‌ها ، وزیرباشی‌ها ، پلاشی‌ها ، اوباشها ، فحاش‌ها، تعاش ها ،خفاشها آغازکرده‌بود.

اوسپرده‌بود هرکس‌سروان بداله‌را پیدا کرد بدست‌اودهد عاقبت‌بآرزوی خودرسیدو دوفراز یارانش طعمه موردتقاضا پیش‌راکت بسته تحویلش‌دادند واو هم بانتقام صدها قربانی‌داس‌زنك‌زده‌اش‌را باخون کردن مش‌بداله شست وشوداد وزنك‌ها را ازچهره داس ،مقدس‌زدود

اواکنون برسرنعش خونین‌جناب سروان‌اسیق مستانه نعره میکشیدودیوانه وارهلهله می کرد بازهم‌برچم انقلاب بالا رفته بود.

و از تیر چراغها اجساد بیروح و نزدیر رسوایسان و ماکداران ، آویزان گشته بود.

در اینجا بودکه زبان رسای درخت کهن سال بندآمد و ازوحشت‌بود می لرزید اطفال خرد وکوچك‌شکه‌کرد اوحلقه زده‌بودند افسرده وغمگین گوش به سخنان مادرخود میدادند این‌حالت تاکجایی‌را دراو دیدند متوحش سر باطراف کشیدند وه‌تاچقدر بیم وهراس داشت

پیردهاتی باتبرآهنین خود بیش‌از چند پا از اوفاصله‌نداشت ممال‌نکرد لیخته زبان تیشه بریشه درخت تنومند میزد واورا ازپای می‌کند نهالها و قلبه ها برای او ماتم‌گرفته بودند وچون زمینه‌هم‌قبلا فراهم‌شده بود همراه بادست‌و بال نازك‌وظریف خودرا برسروپیکر خویش می گوفتند ودردنیای شکنجه‌وعذاب سرمیکردند.

ضربات پی دربی پیردهاتی همچنان بربدنش‌فرومیرفت‌وهنوزدبالله کلامش را ازدست نداده ناله‌کنان میگفت.

آذربایجانی ، دورد بروان پاك شهدای، توکه‌دررواه طردهواخواهان‌بیگانه وخائنین بایرخانه از هیچگونه کوشش‌فروگذارنکردند

آذربایجانی چگونه فراموش‌کند یادیکرچه نغمه فریبنده‌ای‌میتواندا‌و را بقبولاندکه هنوزماهی ازحکومت دمکرات‌نماها نرفته‌بود که‌چکمه‌های بیگانه به پایشان‌رابوسه‌زدوا بفرم‌اجنبی را برلباسیکه‌دودمان او سالها حفظ‌کرده بودند ترجیح دادند آن ظاهرنماهای کذاب دیرعلیه‌سرمایه‌داران وملاکین قیام‌کردند غافل از اینکه ارباب کردن کلفت‌وسبیل‌زمختی چنگال‌خونینش رابر گلوی آنان‌نهاده بنوکریشان وامیدارد

# با تضعیف ارتش بیرون

بقیه از صفحه ۱

بیگانگان زمام‌دار ایران شد وقتی رفته رفته از سر نوشت خویش اطمینان پیدا کرد یک یک مهره های شطرنج سیاست بیگانگان را بانواع و اقسام وسائل از میان برد.

رضاشاه با این نقشه مدبرانه دست و پای بیگانگان را تا آنجا که توانست قطع کرد وقدرت و سیطره خودرا قدری پیش برد که در برابر تقاضاهای غیر عادلانه آنان همیشه مقاومت می کرد.

مقاومت رضاشاه با نقشه‌های ظالمانه بیگانگان تا آن‌جا شدت یافت که بالاخره انگلیس ها ناچار شدند که تن باشغال نظامی ایران داده و باکمک شوروی ها رضا شاه را بردارند!!!

انگلستان بخوبی میدانست که قشون روس سال‌ها بلکه قرنها درانتظار تسلط برایران است تا بتواند در شرق قدرتی کسب کند وسال‌ها بود که انگلستان با انواع وسائل با این نقشه ونظریه روسیه جدا مبارزه می کرد. وباین‌جهت بایدبه آسانی قبول کنیم که انگلستان با علم و اطلاع کامل از نقشه روسیه باتوجه باین که روس‌ها این باره «مکتبی» نیز درست کرده‌اند که بـ آسانی درمشرق‌زمین نفوذ خواهند کرد و مشکلات بسیار مهم را برای سیاست انگلستان پدید و هنه آورد راضی شدند که پای قشون سرخ وسیاست «کومینفرم» ایران بازشده ومشرق‌زمین تبدیل بیک پادیه احساسات ضدانگلیسی توام باانقلابات و حوادث مهم وفتنها و ترورها وغارت ها وغصب اموال وغیره بشود.

## ولی رضاشاه ازایران برود!!

یعنی: ملت ایران تواند برهبری یکمرد بزرگ و لایقی درجهان ۲۰ قرن بیستم طلوع کند.

. . . . . .

. . . . . .

***

اینک بینیم درحال حاضرچه‌جریاناتی درکشورما پدیدشده وچه حوادثی درپیش است وچه سرنوشتی درانتظارماست؟

ازیکماه وبیش‌قبل روزنامه براوادا وسایرخبرگزاریهای وابسته بآ چه‌مطالبی درباره ارتش ایران منتشرساختند. این مطالب تا آنجا پیش رفت که حتی در جرائد ومجلات امریکائی و انگلیسی و فرانسوی نیزرخنه کردکه مقدارزیادی از آنها بفارسی ترجمه و در اغلب جرائد و مجلات پخش گردید.

با این زمینه سازی محکم ناگاه روزنامه مخفی الانتشار «مردم» ارگان حزب توده نامه‌تند وسیارزننده‌ای درباره ارتش منتشرساخت که دماغروز عصردر روزنامه شهباز و فردا درروزنامه بسوی آینده وسایرجرائد وابسته بآنها آن‌مطالب را با شکل‌زننده تر و پرآب‌تری‌منتشر کشت.

دراین نامه‌کینه مرکزی حزب‌توده تا آنجاکه ممکن بودبزرگترین وزننده ترین تهمت‌هارابتمام‌مقامات مملکت (بجز تنی چند که برحسب اقتضایات با آنان همکاری میکنند) داده بودند.

هموم ارتشیان را متهم کرده وشاه را هم ازمعرکین وسرچشمه این بزرگ‌این تغییرمعرفی کردند.

این مطالب دو روزی نقل محافل سیاسی گشت وخاتمه داستان‌منتهی باخراج عده‌ای‌ازافسران ارشد وامرای سابقه دار وتحصل کرده گردید.

درمیان‌این افسران کسانی بودندکه همیشه درخدمات مهمی شرکت داشته و مصدر مهمترین حوادث تاریخی درایران شده بودند.

وبلحاظ تندی وجسارت طبعی که در آنان بود درسنین کوتاه عمرخود طی مدارج کرده و موفق بگرفتن مدالهای بزرگ از ایران وسایرکشورهای جهان گردیده بودند وکوچکترین لکه ای در زندگی نظامی بعضی ازآنها نمیباشد.

وگذشته ازاینکه طرزاخراج‌آنان بسیارزننده و ناشایسته بود باید اعتراف کرد که لطمه‌ای بزرگ بارتش واردشد.

در درجه اول اعلام نشده که فلان افسربسا آنچه سوابق چه علت اخراج شده ودیگری چه علت وآن یکی برای چه و... و... و...!

وباین جهت هیچ افسرشاغل نتواند بداند که دزدی وسوء استفاده کردن دلیل باز نشسته کردن این افسران بوده یا تحصلات وسوابق سیاسی آنان، تااینکه دزدی نکند یا در آن جریانات شرکت نداشته باشد.

دردرجه دوم‌تنی چند ازاین افسران ازنزدیکان شاه بوده وهمیشه با جریانات ضد سلطنت ارتش مبارزه میکرده اند و هیچ‌گناهی نداشته‌اند جزاینکه ازنزدیکان شاه بوده وچه درارتش وچه درغیرارتش همیشه به نفع حفظ مقام سلطنت گامهای موثری برداشته‌اند.

ودرجه‌سوم: اینطرزبازنشسته کردن افسران بزرگترین ضربه را برروحیه ارتش‌واردکرده‌وتزلزل‌روحی‌عجیبی‌دردل افسران میهن مایه‌دار کرده‌که میتوان گفت افسران ما از سرنوشت خود اطمینانی ندارند!!

. . . . . .

## بااین‌مقدمات بخوبی روشن استکه باقشه کرملین و مقامات کمونیستی یک‌طرح‌سیاسی برای تضعیف ارتش و کوبیدن شاه بمنظور ایجاد یک‌حکومت کمونیستی در ایران برای تسلط بر مشرق بخوبی‌اجام گرفته‌است؟؟

مادراینجا صریحا اعلام میکنیم که اخراج افسران باین‌شکل‌بزرگ حالی کردن اطراف شاه‌وتزلزل ارتش بوده واگرهم چنین قصدی درمیان نبوده‌بی‌تردیدارای چنین نتایجی بوده است.

مادراین باره تحقیقات‌لازمی‌خواهیم کرد و نتایج آنرا باطلاع ملت ایران میرسانیم که چه دستهائی در ایجاد چنین صحنه سازی‌مهیب ووحشتناک مهیم بوده‌اند

جناب آقای دکتر مصدق که‌سمت نخست وزیری ووزارت‌دفاع ملی‌راعهده دار شده‌اند بطوریکه در جرایدمنتشر شده این داستان را از عهده خود خارج کرده و گفته اند که کمیسیون مسئول‌این لیست را تهیه وبایشان داده‌اند.

وباتوجه باینکه هدف‌ماوجناب‌آقای دکتر مصدق درمورد نفت وسایراقدامات اساسی ومفید ملی ایشان کاملا وحدت‌و یکانگی دارد بخوبی متوجه این نکته هستیم که‌دراین موقعیت حساس ووخیم مملکت باید با کمک گامهای موثر ایشان کشوررا از مخاطره نجات دهیم وبهمین جهت بانگارش این مطالب‌توجه ایشانرا باین موضوع مهم وحیاتی کشور جلب میکنیم که باعضای کمیسیون‌مزبور امر بفرمایند که‌طل وجهات مرجح‌این اقدام خودشان را برای ما بفرستند وبا تشریح کامل دلائل خودشان تکلیف همه را روشن سازند

مخصوصا‌ما‌باعقیده‌ارتش کاملا‌موافقیم ودراین باره‌هم نظریات خودمان رااظهار خواهیم داد‌زیرهماطور که گفته‌ایم‌مسئله ارتش بامرنوشت کشور ما و اینده ما و فرزندانمان بستگی تام دارد

گرچه اعضای کمیسیون هنوز رسما نظریه خودرا اظهار نکرده اند که‌چه دلیل این فتنه وحشت آورراا جراء کرده‌اند.

«ما» صریحا‌اعلام‌میکنیم که‌دراین‌هنگام وحشتناک برای این مبارزه را شروع کرده‌ایم که کشورمان‌رادر آستانه‌اضمحلال وسقوط وآینده خودوفرزندانمان راسیاه وتباه می‌بینیم وبرای جهات آن قیام کرده ایم.

و بهمین‌جهت ازعموم‌ملت ایران‌برای پشرفت‌خود استمداد میکنیم.

مخصوصا ازافسران ارتش (شاغل‌و بازنشسته) انتظار داریم که‌هرچه زودتربا ارسال مطالب‌ومقالات مفید بما کمک کنند وحقایق‌مهمی‌را از این جریانات مخفی باطلاع ما برسانند تاما درراه مبارزه‌خود باچشم باز جلو برویم‌وکشوررا ازآستانه خطرنجات‌دهیم

مبارزه ما دراین راه باشدت ادامه خواهد داشت.

---

از دوشیزه عادلدخت خلعتبری

متخلص به (ترانه)

## تا بکی؟

تابکی درکشور بیم زاده دهقان فقیر
تابکی درجهل باشد طفل دهقانی اسیر
تابکی از جوروظلم کارفرما کارگر
با محن هم سنگ وچشمان اواز اشک‌تر
تابکی ازظلم ضحاکان خون آشام پست
مردم محروم را زنجیرها برپا ودست
تا بکی یکعده اهریمن ز استثمار خلق
حضرت اشرف شوند و سرور وسالارخلق
تابکی زمرمونس‌دخت غنی در روزگار
مونس بیچارگان غم باشد اندرشام تار
بابکی درکشور جم پایه ظلم استوار
تابکی جهل‌وفساد وحیله باشدپایدار
چندازبیداد خان‌ای رنجبر گرباروشوی
ازستمهای گروه ناکسان‌حیران شوی
تابکی راج وملات موئس‌وباورترا
چند باشد گفته ارباب دون باورترا
چند باشد کودک مفلوک تو افسرده جان
چندگرید کودک بی مادرت از بهر نان
خیز و برپا کن قیام و انقلاب آتشین
محو کن بدخواه خودرا ازیسار واز یمین
پایه های‌ظلم‌واستبدادرا کن واژگون
خانه بدکاری اهریمنان را سرنگون
دست کین‌خویشتن از آستین‌بیرون نما
تاغن‌خودرا‌غضاب‌ای کارگر ازخون‌نما
تاکه درآغوش گیری شاهد فتح وظفر
ملک ماگردد بهشت‌دیهقان وبرزگر
تیره‌ابرتیره‌بختی ازنظرپنهان شود
دشمن‌آزادی وآزادگی بی‌جان شود
گوکب آزادی‌وصلح‌وصفا تابنده باد
ملت ایران (ترانه) تا ابدپاینده باد

---

## شیلات راهم ملی

بقیه از صفحه ۱

بدولت ایران پرداخته شود وتیز درسال ۱۳۱۱ قمری میرزاعلی‌اصغرخان اتابک باوارت لیانازوف یعنی ژ ولیانازوف قرار دادی بمدت بیست و پنجسال بست ژولیانازوف ترکتی باسرمایه ۹ملیون روبل طلا دایرنمود و آن شرکت را شرکت‌سهامی لیانازوف نامید وبا کمک سه‌پسرخود مارتین ولئون واستپان‌شروع به بهره برداری نمود

## لغو قرارداد

درسال ۱۹۱۷ میلادی که انقلاب لنینیکی روسیه آغازشد لیانازوف بدولت ایران اطلاع دادکه حاضر است بابت مال‌الاجاره سال بعد شیلات مبلغ ۲۰هزار لیره انگلیسی بدولت ایران بپردازد ازآن تاریخ تاهشت ماه جوابی به لیانازوف داده شد تااینکه پس از هشت ماه دولت‌تقاضای پرداخت ۴۶۰ هزار فرانک مال‌الاجاره ازلیانازوف نمودچون‌ورثه لیانازوف بعنوان اینکه‌اموالشان‌بوسیله بلشویکها ازبین‌رفته ازپرداخت پول خودداری نمودند در۱۲ خرداد ۱۲۹۰ قرار داد بوسیله مشارالملک وزیرمالیه‌وقت فسخ گردید

## امتیاز جدید و تهدید بلشویکها

پس از لغو قرار داد لیانازوف که بوسیله مشارالملک نقض گردید امتیاز شیلات بشخص موسوم‌به گریگور پطروویچ وایتسف داده شد ولی بلشویکها نام برده را تهدید بمرگ نمودند وی‌ناچاره پاریس فرارنمود پس ازآن موضوع دولت ازلیانازوف‌ها خواست‌که دوباره بادولت ایران قرارداد به بندولی‌لیانازوفها حاضر شدند ودرنتیجه‌بکسال ونیم بعد بواسطه اختلافی‌که بین‌آنهاودولت‌ایران رخ داد‌کارآنها بمحکمه کشید برای اختلاف موجوده برسرشیلات ازطرف لیانازوفها میوکوس‌نیکی ومسیوآقایانازوف وازطرف ایران معتمن‌السلطنه وزیر فرهنگ مشارالسلطنه وزیردادگستری عمیدالسلطنه وزیر فواید عامه بعنوان حکم تعین شدند بالاخره پس‌از مدتها مطالعه درسال ۱۳۰۲ از طرف حکم‌ها این حکم بنفع لیانازوفها صادر گردید که القای قرار داد شیلات از طرف دولت ایران درست نبوده و پس از آن حکم پانزده سال دیگر قرارداد شیلات بین‌لیانازوفها وایران‌متفقد گردید که اساس آن بر تقسیم صدی پنجاه بود

## ناپدید شدن اسرار آمیز مارتین لیانازوف

مارتین‌لیانازوف ولئون‌وپتکالیانازوف که ورثه و ژولیانازوف بودندبرای یکرسی نشاندن حرف خود بارجال ایرانی تماس گرفتند تا اینکه بالاخره حکم بنفع آنها صادرشد ودرهمین‌موقع بودکه مارتین لیانازوف بوضع اسرار آمیزی ناپدید شد ودولت شوروی رسما بامقامات ایرانی تماس گرفت وبرای بستن قرار داد با واخرجل وتثبیت متوجه گردیدودولت روسیه ادعا میکردکه‌چون‌لیانازوف تبعه روسیه‌بوده وما ترک افراد یک‌کشور درهرکجاکه باشد متعلق بآن‌کشوراست وازجمله امتیاز شیلات هم جزو دارائی او محسوب میشود بدین واسطه خودرا جانشین لیانازوف معرفی مینمود مدت سه سال امرشیلات دچاروقفه شدودراین مدت مابین دولت ایران و شوروی برای تشکیل یک شرکت مختلط مکاتبات زیادی مبادله شد تا اینکه درسال ۱۳۰۰ شمسی دولت ایران ودولت‌شوروی‌طبق عهدنامه که متفقد کردند کمپانی مختلط ایرانی و روسی بوجود آوردند و امتیاز شیلات را برای مدت ۲۵ سال باین کمپانی دادند

مواد مهم این‌امتیاز بقرارذیل است:

۱- مدت امتیاز ۲۵ سال

۲- کمپانی ازشش‌نفرعضو تشکیل میشود سه نفر ایرانی وسه نفر روسی و ریاست هیئت مدیره درهرمدت ۱۰ سال بایکی از طرفین ومعاون‌آن‌ازطرف دیگر میباشد

۳- محل کمپانی تهران است

۴- دولت بازپرسی درکمپانی باید داشته باشد که حقوق وی‌را از قرار سالی شش‌هزارتومان کمپانی بپردازد

۵- آلات وادوات کمپانی از گمرک معاف است

۶- اگر کمپانی احتیاج بزمین داشت واگرآن زمین مال دولت بود مجانا واگذار کند واگرمتعلق باشخاص است بقیمت عادلانه سرپرداری نماید

۷ کمپانی میبایست هرسال‌صدی ۱۵ منافع‌خالص خود را بایران بدهد وبقیه را بنفع تقسیم نمایند.

۸- بعداز تمام شدن مدت امتیاز تمام تاسیسات شرکت و وسائل و آلات ماهی گیری متعلق بایران است

باید دانست که شیلات درآستارا وبندر پهلوی جمن کیاده تاسیساتی برای صدور ماهی بخارج ومحفوظ نمودن خاویار درقوطی‌های سربسته و سردخانه‌دارد ونیز دربندرپهلوی کارخانه برق کوچکی هم‌متعلق بشرکت شیلات میباشددرشمال ایران ماهی باقسام مختلف یافت میشود.

درگیلان چهارده قسم ماهی ودرمازندران هشت قسم ودرگرگان چهارقسم ماهی صید میشود که معروفترین آن بدین قرار است سوف سیم آزاد قزل آلا کپور چکا ماشک کولی یلور ماشی طلاوج خاویار علاوه برصید ماهی های‌فوق هیه ساله مقدار کثیری ماهی خاویارصیدشده وخاویار آنرا بشکل سیاه وسفید بخارج میفرستند ومخصوصا دربازارهای اروپا مانند طلا داد وستد میشود

مامیدانیم که دولت‌شوروی بهیچوجه مایل نیست ازمنافع سرشارشیلات چشم بپوشد ولی انتظار داریم که جناب‌آقای دکتر محمد مصدق رهبر ملی وهجوب ما که برای احقیقای حقوق ملت ایران از شرکت غاصب نفت صبیانه فداکاری نمودند درباره شیلات نیز اقدامات جدی تری بنمایند تامردم ایران ازثروت‌خداداد خود تمتع برگیرند.

جناب‌آقای دکتر مصدق بدانیدکه دراین راه ملت ایران‌همگام‌شماخواهد بود وما تاجان داریم ازپرنامه های ملی ایشان پشتیبانی خواهیم کرد

---

# اخبار جهان

## دوگاسپری نخست وزیر ایتالیا به بن وارد شد

بن - آسوشیتدپرس - دوگاسپری نخست وزیروزیرامورخارجه ایتالیا به بن پایتخت آلمان غربی وارد شد مسافرت وی جنبه رسمی‌دارد و مشارالیه مدت ٤روزدرین خواهد ماند.

دکتراد‌ناور صدراعظم آلمان غربی در تابستان گذشته برم مسافرت کرد و دوگاسپری برای بازدید اوبه بن رفته است. ازتاریخ شروع جنگ دوم جهانی این اولین باراست که یکی ازرهبران ایتالیا به آلمان مسافرت میکند.

## خدمات پزشکی در مصرمجانی میشود

قاهره - رویتر - وزیربهداری مصرتصمیم گرفته است لایحه‌ای تنظیم کند تا طبابت درمصربا حضاردولت درآید. بموجب این‌قانون کلیه پزشکان تحت نظر دولت انجام وظیفه کرده ومجانا مرضی‌را معاینه ومعالجه میکنند وحق‌الزحمه خود را بمیزان معینی ازصندوق دولت دریافت میدارند.

این قانون درواسط ماه آینده برحله اجرا درخواهد آمد.

## نواحی نزدیک مرز پاکستان وهندوستان شبها در خاموشی بسر میبرند

دکا - آسوشیتدپرس - درنواحی واقع درنزدیک مرزهندوستان‌وپاکستان در هرهفته چندساعت شبها در خاموشی بسرمیبرند و این خاموشی تحت نظارت مقامات وزارت دولتین مزبورصورت می‌گیرد مقصود پاکستان ازخاموشی کنترل و جلوگیری ازقاچاق کنف بهندوستان‌میباشد وحال‌آنکه خاموشی درنواحی واقع‌در خاک هندوستان بعلل دفاعی صورت می‌گیرد

## ترومن نطقی در محله سیاه پوستان نیویورک ایراد خواهدکرد

نیویورک - رویتر - ترومن رئیس جمهوری امریکا روز یازدهم اکتبر هاوام یعنی‌محله سیاه‌پوستان نیویورک نطق‌مهمی درباره‌حقوق مدنی‌ایراد خواهد کرد وبهمین جهت قراراست جایزه بشردوستی فرانکلین روزولت‌رئیس‌جمهوری فقیدآمریکا درسال جاری بترومن داده شود

## رادها گریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان‌ازایران وکشورهای خاور میانه واروپا دیدن میکنند

دهلی - آسوشیتدپرس - رادها کریشنان معاون رئیس جمهوری هندوستان روز ۲٤ سپتامبر ازمیهن بطرف ایران‌و منطقه خاورمیانه وارو‌پارهسپارخواهد شد وی درنظر دارد مدت هشت‌هفته ازکشورهای این‌منطقه‌دیدن‌کند.

محافل نزدیک به‌رادها کریشنان اظهار داشتند که مشارالیه‌دراین‌مسافرت ماموریت رسمی‌ندارد وفقط بمنظور ایجاد حسن‌تفاهم بین هندوستان و کشورهای خاورمیانه واروپا باین کشورهامسافرت میکند

بعضی از جراید هند نوشته‌بودندکه‌بااینحال نهرو نخست وزیر هندوستان معاون‌رئیس‌جمهوری را برای ماموریت خاصی باین‌کشورها گسیل میدارد ولی این‌خبر مورد تکذیب‌قرارگرفت.

رادها کریشنان کاضنا رئیس کمیته اجرائیه‌موسسه‌علمی، تربیتی‌وفرهنگی سازمان ملل‌متحد (یونسکو) میباشد درجلسه شورای عمومی یونسکو که در ماه نوامبر درپاریس تشکیل‌خواهدشد شرکت‌خواهدکرد.

## جبهه ملی لبنان بنفع کامل شمعون برای‌احراز مقام‌ریاست جمهوری فعالیت‌میکند

بیروت - اسوشیتدپرس - سرلشکر شهاب کفیل ریاست جمهوری لبنان با درخواست مخالفین بشارالخوری رئیس جمهوری سابق دائر براینکه بشارالخوری باید لبنان را ترک گوید موافقت کرده بود وبشارالخوری‌دیروزلبنان خارج شد ولی‌جزئیات مربوط بخروج وی ازلبنان هنوزافشاء نگردیده است‌ضمنا مبارزات انتخابات ریاست‌جمهوری لبنان بین‌کامل‌شمعون‌وحمیدفرنقیه‌باشدت ادامه دارد. کامل شمعون نامزد جبهه ملی سوسیالیستی لبنان میباشد که‌بر اثرمخالفت های شدید آن بشارالخوری مجبور بکناره‌گیری گردید کمال جمبلاط رهبر جبهه ملی باشمعون ورقیب اوفرنقیه مذاکراتی بعمل آورده واظهارداشته‌معلوم‌نمودند دارد فرنقیه‌را درشرکت مبارزات انتخاباتی تشویق کند

طرفداران سرلشکر شهاب معتقدند که‌وی‌خودرا برای ریاست جمهوری کاندیدا خواهد کرد ولی مشارالیه صریحا اظهار داشته که نامزد ریاست جمهوری نمی‌باشد

## نتیجه انتخابات پارلمان سوئد

استکهلم - رویتر - نتیجه انتخابات نمایندگان پارلمان سوئد بدین‌شرح است ازدویست وسی کرسی پارلمان حزب سوسیال دموکرات ۱۰۹ کرسی کشاورزان ۵۹ کرسی، لیبرالها ۲۷ کرسی، محافظه کاران ۳۰ کرسی، کمونیستها ۵ کرسی.